

# هولوکاست ورود به منطقه ممنوعه

□ نگاهی به حقوق و آزادی‌های فردی در اندیشه سیاسی غرب

محمد ملک‌زاده



اشاره

آزاداندیشی لازمه جدایی‌ناپذیر از روح اسلام به ویژه مکتب تشیع است. یکی از بزرگ‌ترین افتخارات مکتب تشیع آن است که صاحبان آن اهل منطق، احتجاج و تمسک به عقل و خرد بوده‌اند. کتاب احتجاج شیخ طبرسی که مجموعه جمع‌آوری شده از مناظرات و احتجاج‌های رسول خدا (ص) و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین است، نخستین دلیل بر این مدعاست. این مقاله اثبات این ادعا و تبیین حدود و مرزهای آزادی و آزاداندیشی در اسلام نیست؛ بلکه در این مقال نگارنده هدف دیگری را دنبال می‌کند و آن بر ملا ساختن ادعای کسانی است که دین اسلام و مکتب تشیع را به ضدیت با آزاداندیشی متهم و خود را به نایب‌الکوی آزاداندیشان عالم معرفی می‌نمایند. در رأس این گروه، داعیه‌داران آزادی و حقوق بشر در نظام‌های لیبرال دموکراسی غرب قرار گرفته‌اند. در این مجال بر آنیم با بهره‌گیری از پاسخ، نقض بودن این ادعا را به چالش بکشانیم.

## از برده‌داری تا فئودالیسم

«انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند، اما در همه جای جهان در اسارت و بندگی به سر می‌برند.»<sup>۱</sup> این عبارت، کلام معروف ژان ژاک روسو، یکی از سه نظریه‌پرداز مکتب قرارداد در تاریخ اندیشه سیاسی غرب است که به همراه «جان لاک» نظریاتش در ساختار شکل‌گیری نظام و تمدن جدید در غرب مؤثر افتاد.

با مروری بر تاریخ اندیشه سیاسی غرب، سلطه اسارت و بندگی انسان را از ابتدا تا زمان حال به شیوه‌های مختلف مشاهده می‌کنیم. در عهد باستان، ارسطو فیلسوف نامدار آن دوران، آشکارا به انکار آزادی گروهی از انسان‌ها در قالب بردگان پرداخت و صلاح آنان را در این پنداشت که برده اقرارکار جانداران دیگر باشند.<sup>۲</sup>

**داستان دادگاه گالیله که به جرم مخالفت با نظریه بطلمیوس از سوی کلیسای کاتولیک قرون وسطی محاکمه شد. نمونه کوچکی از نقض ابتدایی‌ترین نوع از آزادی‌های فردی و طبیعی است.**

**اتفاقاتی که امروزه در جهان به اصطلاح متمدن غرب بروز می‌یابد، یادآور همان خاطراتی است که در دادگاه تفتیش عقاید کلیسای کاتولیک در قرون وسطی جریان داشت.**

گرچه پس از مدت زمانی مدید، نظام ناعادلانه برده‌داری در غرب به صورت ظاهر فروپاشید، لکن نمی‌توان انکار کرد که همان روح در کالبدی جدید و با شکلی متفاوت مجدداً احیا شد. در عهد فئودالیسم، طی قرون پیاپی همچنان اکثریت جامعه به شکلی جدید تحت ستم و استثمار قرار داشتند. طبقه حاکم یعنی مالکان بزرگ و فئودال‌ها، حقوق و آزادی‌های رعایا را سلب می‌کردند و همه قوانین و نظریه‌های اجتماعی زمان را به گونه‌ای تدوین می‌کردند که حقوق رعایا و آزادی آنان به رسمیت شناخته نشود. خواسته‌ها، سیاست‌ها و منافع طبقه حاکم در قالب قوانین تنظیم می‌گردید و آنچه در این میان اهمیتی نداشت، منافع و آزادی رعایا و مصالح واقعی اکثریت حکومت‌شوندگان جامعه بود. دهقانان جامعه فئودال گرچه دارای حقوقی بودند، ولی معمولاً وابسته به زمین و ارباب خود بودند، با زمین خرید و فروش می‌شدند و بدون اجازه ارباب، حق ترک ملک او را نداشتند. در این دوره به وضوح تعداد زندان‌ها و زندانیان رو به افزایش نهاد، جاسوسی و شیوه‌های مختلف کنترل فردی که در دوره برده‌داری نمود چندانی نداشت، تقویت گردید و حتی کلیسا نیز در خدمت حاکمان ستمگر و وسیله بهره‌کشی و فریب بیشتر توده‌ها و استثمار آنان درآمد و زمینه‌ای مناسب‌تر برای اعمال محدودیت در جنبه‌های مختلف آزادی‌های طبیعی انسان فراهم شد. داستان دادگاه گالیله که به جرم مخالفت با نظریه بطلمیوس از سوی کلیسای کاتولیک قرون وسطی محاکمه شد، نمونه کوچکی از نقض ابتدایی‌ترین نوع از آزادی‌های فردی و طبیعی است. گالیله به دنبال یکسری تحقیقات و فعالیت‌های علمی به این نتیجه رسیده بود که برخلاف نظریه بطلمیوس، زمین نه ثابت است و نه مرکز کیهانشان راه شیری. صاحبان کلیسای کاتولیک گالیله را در دادگاهی به محاکمه کشاندند و او را در دو راهی مرگ یا عقب‌نشینی از نظریات علمی‌اش قرار دادند.

### ورود به عصر جدید

در اروپای قرن چهاردهم به بعد، از بطن جامعه فئودالی، جنبش انسان‌گرایی ظهور کرد تا به اصطلاح برای آزادی، برابری و رهایی انسان و ذهن و اندیشه او از زندان؛ جزئیات غیر منطقی و غیر عقلانی قیام کند. نتیجه این جنبش، ظهور عصر جدیدی در تاریخ اندیشه سیاسی غرب بود که در آثار نظریه‌پردازان غربی به ویژه نظریه‌پردازان فرانسوی قرن هجدهم به اوج خود رسید. در این میان کشور فرانسه از آن جهت متمایز از بقیه گردید که در مقایسه با بقیه مناطق غرب، مبارزه بی‌امان‌تر و آشتی‌ناپذیرتری با فئودالیسم و تبدیل آن به نظام بورژوازی به راه انداخت. نتیجه این مبارزه‌ها، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه بود. انقلاب فرانسه که عصر جدیدی را در تاریخ بشر گشود، بر روی چند محور نظری پا گرفت. مرامنامه این انقلاب «اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندان» نامیده شد که در اصل اول آن تأکید می‌کند: «افراد بشر آزاد و مساوی در حقوق به دنیا می‌آیند و آزاد و مساوی در حقوق باقی می‌مانند».

در ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۰، قانونی درباره آزادی رسانه‌ها در فرانسه وضع شد که بر اساس مفاد آن، زیر سؤال بردن موضوع هولوکاست در سه فرضیه اساسی مربوط به آن، یعنی کشتار ادعایی صهیونیست‌ها، اتاق‌های ادعایی کشتار با گاز و آمار ادعایی شش میلیون کشته یهودی در جنگ جهانی به عنوان عبور از خط قرمز و جرم تلقی گردیده و متخلف از آن به یک ماه تا یک سال زندان و پرداخت خسارت و جریمه‌ای بین دو هزار تا ۳۰۰ هزار فرانک (۳۳۳ تا ۵۰ هزار دلار) محکوم می‌شود.

در اصل دهم این اعلامیه می‌خوانیم: «هیچ کس نباید به خاطر عقایدش، حتی عقاید مذهبی، تا وقتی که ابراز آن عقاید نظم عمومی ای را که قانون مقرر داشته است بر هم نزده است، مورد مزاحمت قرار گیرد.»

در اصل یازدهم نیز چنین آمده است: «تبادل آزادانه افکار و عقاید، یکی از گران‌بهارترین حقوق بشر است. از این جهت هر فرد جامعه می‌تواند آزادانه حرف بزند، بنویسد و به چاپ برساند...»

با مرور اصول فوق، نخستین سؤالی که در ذهن به وجود می‌آید این است که جوامع غربی و در رأس آنان کشور فرانسه که خود را سردمدار دفاع از آزادی و حقوق بشر هم

می‌نامد، چقدر پای بند به این اصول است؟ آیا به راستی در حال حاضر از آن بردگی و اسارت انسان، دیگر خبری نیست؟ آیا آن‌گونه که اصل دهم اعلامیه حقوق بشر فرانسه تصریح دارد، کسی به خاطر عقاید شخصی و مذهبی‌اش مورد مزاحمت قرار نمی‌گیرد؟ و آیا طبق اصل یازدهم، در این جامعه تبادل آزادانه افکار و عقاید و آزاداندیشی به رسمیت شناخته شده است؟

چگونه می‌توان به سؤالات فوق پاسخ مثبت داد و حال آن‌که زنان محجبه مسلمان فرانسوی به جرم پوشیدن روسری از ادارات و مراکز علمی و دانشگاهی اخراج می‌شوند؟ چرا کسی برای حفظ حجاب و عفت زنان مسلمان این کشور، حتی به رسمیت نمی‌شناسد؟ چرا پرسیدن و تحقیق کردن پیرامون قضیه‌ای موهوم به نام «هولوکاست» جرم تلقی شده و پژوهندگان این عرصه مورد اذیت و آزار شدید قرار می‌گیرند؟ به راستی چرا باید انتشار مطالب توهین‌آمیز و استهزاء عقاید مسلمانان و جریحه‌دار کردن قلوب بیش از یک میلیارد مسلمان در جهان در قالب آثار سخیفی چون کتاب آیات شیطانی، ساخت و انتشار فیلم‌های ضد اسلامی و ... به بهانه دفاع از «آزادی اندیشه» امری معمول تلقی شود، ولی تحقیق و تفحص پیرامون یک حکایت جعلی موسوم به هولوکاست جرم شناخته شده و قابل تعقیب و مجازات باشد؟ چرا تلاش و کوشش شش ماهه مسلمانان انگلستان که سعی می‌کردند با توسل به اقدامات قانونی و برگزاری تظاهرات اعتراض‌آمیز از انتشار کتاب موهن آیات شیطانی جلوگیری کنند، با غرض‌ورزی و تجاهل دولتمردان انگلستان مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و حتی از نویسنده مرتد این کتاب، حمایت‌های بی‌دریغ انجام می‌پذیرد؟

اتفاقاتی که امروزه در جهان به اصطلاح متمدن غرب بروز می‌یابد، یادآور همان خاطراتی است که در دادگاه تفتیش عقاید کلیسای کاتولیک در قرون وسطی جریان داشت، زیرا اگر قدرتمندان حاکم در آن زمان با هرگونه نظریه جدید علمی و ناهماهنگ با عقاید و دیدگاه‌های باطل سنتی خود به مخالفت برمی‌خاستند، امروزه نیز هر جا اراده صاحبان قدرت و ثروت ایجاب کند، نظریه‌ها و تئوری‌های علمی، و جهت تحقیقی و پژوهشی خود را از دست می‌دهد و باید به کناری گذارده شود.

با تبیین مختصر حکایت افسانه‌ای هولوکاست و نحوه برخورد با

محققان و پژوهشگران پیرامون این موضوع از طریق وضع قوانین سخت، آن هم در کشوری که خود را سردمدار و مهد تمدن و آزادی می‌نامد، چگونگی آزاداندیشی ادعایی غرب بیشتر روشن می‌شود.

### مفهوم هولوکاست

هولوکاست که در لغت به معنای «سوزاندن با آتش» تعریف شده، اصطلاحاً به نظریه‌ای اطلاق می‌شود که مدعیان آن وانمود می‌کنند شش میلیون یهودی در طول جنگ جهانی دوم، در اتاق‌های گاز اردوگاه‌های ارتش آلمان کشته شده و سپس در کوره‌های آدم‌سوزی سوزانده شدند.

بنابر ادعای طراحان این نظریه، چندی از نجات‌یافتگان از کوره‌های آدم‌سوزی نقل کرده‌اند که نازی‌ها پوست یهودیان قربانی را برای ساختن روغن چراغ‌های نفتی و اجسادشان را برای ساختن صابون به کار می‌بردند!

یکی از اصلی‌ترین منابع مورد استناد در این زمینه، دایرةالمعارف انگلیسی چاپ سال ۱۹۶۷ م است که در آن، هدف اصلی آلمانی‌ها را نابودی یهودیان تمام اروپا دانسته و افزوده است که برای از پسای درآوردن یهودیان، از گاز سمی استفاده می‌کردند که هم کم‌هزینه‌تر و هم مؤثرتر از دار زدن و به تیر بستن بوده است. اما نکته جالب توجه در این دایرةالمعارف آن است که این عبارت





«روژه گارودی»، «ارنوج مایر»، «مارک ویر»، «فردریک توبن»، «آرمان امدروس»، «داربوژ اتایژاک»، «گرمار رودلف»، «ماریش باردش»، «پل رازینه»، «پل فرام»، «دوکالینز»، «ولفگانگ روهلیچ» و ... در زمره همان اندیشمندان و پژوهشگرانی هستند که بر اثر تحقیقات خود، به نتایجی برخلاف ادعاهای صهیونیست‌ها دست یافتند و البته مزد تحقیقات خود را نیز گرفتند. گروهی گرفتار ضرب و شتم شدند، عده‌ای کرسی تدریس را در محافل علمی از دست دادند و گروهی نیز راهی زندان شدند تا همگان نیک بیاموزند در اروپای به اصطلاح آزاد نیز آزادی تعریفی خاص به خود دارد و نباید برخلاف آنچه صاحبان قدرت و ثروت می‌اندیشند، اندیشید و یا سخن راند و این حقیقتی تلخ است که از تناقض آشکار در شعار و عمل آزادی و دموکراسی غرب، حکایت دارد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، جمعی از نویسندگان خارجی، مترجم: مرتضی کلاتریان، ۱۳۷۹؛ ص ۵۶.
۲. سلب آزادی از دیدگاه ارسطو فقط به توجیه بندگی بردگان خلاصه نمی‌شد، بلکه او با از این هم فراتر نهاد و در مواردی حتی حق حیات را نیز برای برخی از ساکنان یک شهر همچون بیماران و معلولان خاص قایل نمی‌شد و مصلحت آنان و جامعه را در از بین بردن ایشان تعریف کرد. ر.ک: ارسطو، کتاب سیاست، حمید عنایت، ۱۳۷۱، ص ۳۳۳.
۳. سیدمجید حسینی؛ هولوکاست، حریم ممنوعه؛ انتشارات صبح پیروزی، ۱۳۸۵؛ ص ۲۲.
۴. در متون دینی به ویژه قرآن کریم در موارد چندی پرده از این سیاست مزورانه یهودیان برداشته شده است. به عنوان نمونه قرآن کریم در آیه ۱۳ از سوره مائده با اشاره به پیمان‌شکنی اقوام یهود، به خیانت و تحریف وقایع از سوی آنان تأکید می‌کند و به همین دلیل ایشان را مورد لعنت خداوند قرار می‌دهد. «یهود را به سزای پیمان‌شکنی مورد لعنت قرار دادیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم. آنان کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آن اندرز داده شده بودند، به فراموشی سپردند و تو (پیامبر) همواره بر خیانت آنان آگاه می‌شوی.»
۵. روبرت فوریسون؛ اتاق‌های گاز، واقعیت یا افسانه؟، ص ۲۱.

فقط از چاپ جدید این کتاب در سال ۱۹۶۷ م به بعد مشاهده می‌شود و به گفته «دیوید دیوک» پیش از این تاریخ، یعنی در سال ۱۹۶۵ م به همین دایرةالمعارف مراجعه نموده، ولی هیچ مطلبی پیرامون هولوکاست و نحوه کشته شدن یهودیان از طریق اتاق‌های گاز و یا کوره‌های آدم‌سوزی نیافته است، بلکه در آن تاریخ، مقاله‌ای از یک یهودی در این دایرةالمعارف وجود داشته که فقط بر وضعیت نگه‌داری نامناسب یهودیان در بازداشتگاه‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها اشاره دارد و می‌افزاید که در این اردوگاه‌ها، برخی یهودیان بر اثر تن دادن به کاری سخت و بدرفتاری با آنان، از بین می‌رفتند.<sup>۳</sup>

به طور کلی از بررسی مجموع تعاریف، سوابق و پیشینه حکایت افسانه‌ای هولوکاست چنین برمی‌آید که خاستگاه اصلی هولوکاست - آن‌گونه که طراحان و مدافعان آن ادعا می‌کنند - دشمنی هیتلر با یهودیان و تفکرات نژادپرستانه وی بوده است، زیرا بنا به عقیده نازی‌ها به ویژه رهبر آنان هیتلر، نژاد آریایی تنها نژاد برتر و در این میان نژاد ژرمنی یا آلمانی برترین شاخه نژاد آریایی بوده است. به همین دلیل در ذهنیت آلمانی‌ها نسبت به یهودیان بدبینی شدیدی وجود داشت، لذا تصمیم گرفتند یهودیان را از اروپا اخراج کنند و در نهایت در بازداشتگاه‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری، شش میلیون یهودی اخراجی را به قتل برسانند.

این بیان مختصری از اصل ماجرای هولوکاست براساس دیدگاه طراحان آن به ویژه یهودیان صهیونیست بود، خلاصه حکایتی که از سال‌ها قبل تاکنون سوژه اصلی محافل تبلیغاتی صهیونیستی و استودیوهای فیلم‌سازی هالیوود - یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فیلم‌سازی تحت نفوذ صهیونیست‌ها - قرار گرفته است و در متون درسی کشورهای غربی به ویژه آمریکا نیز گنجانیده شده و معلم‌ان باید به اجبار آن را به دانش آموزان درس بدهند و دانش آموزان نیز به اجبار باید آن را به ذهن خود بسپارند.

بررسی پیرامون صحت و سقم این ادعا نه در مجال این نوشتار می‌گنجد و نه هدف اصلی نگارش این سطور آن را تعقیب می‌کند، بلکه در این جا فقط به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که یهودیان با پیشینه تاریخی خود در جعل و تحریف وقایع، آن‌گونه که در صدر اسلام نیز سابقه داشت،<sup>۴</sup> آن‌چنان ماهر و چیره‌دست‌اند که در این موضوع نیز هیچ بعید نیست برای مقاصد خود دست به تحریف حقایق زده باشند.

### حریم ممنوعه تحقیقات!

در ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۰، قانونی درباره آزادی رسانه‌ها در فرانسه وضع شد که بر اساس مفاد آن، زیر سؤال بردن موضوع هولوکاست در سه فرضیه اساسی مربوط به آن، یعنی کشتار ادعایی صهیونیست‌ها، اتاق‌های ادعایی کشتار با گاز و آمار ادعایی شش میلیون کشته یهودی در جنگ جهانی به عنوان عبور از خط قرمز و جرم تلقی گردید. براساس این قانون، هر کس که در فرانسه از این قانون تخلف کند، به یک ماه تا یک سال زندان و پرداخت خسارت و جریمه‌ای بین دو هزار تا ۳۰۰ هزار فرانک (۳۳۳ تا ۵۰ هزار دلار) محکوم می‌شود.<sup>۵</sup>

وضع این قانون ضد تحقیق، در کنار قوانین مشابه ممنوعیت اشتغال یا تحصیل دختران مسلمان محجبه در فرانسه و برخورد شدید با متخلفان این قوانین غیر بشری و غیر منطقی که با ابتدایی‌ترین آزادی‌های انسانی و اجتماعی در تضاد است، آن هم در کشوری که خود را مهد آزادی و دموکراسی می‌داند، پرده از حقایقی برمی‌دارد که روح واقعی آزادی و آزاداندیشی در غرب را بر ملا می‌سازد. آیا ادعای وجود کوره‌های آدم‌سوزی و یا اتاق‌های گاز، امری مهم‌تر از مقدسات دینی و اعتقادات مذهبی است که در این یکی به راحتی می‌توان تشکیک کرد و در آن یکی هرگونه تحقیق و تفحص و یا تشکیک، جرم تلقی می‌شود؟

علیرغم تمام این محدودیت‌ها، محققان و آزاداندیشان بسیاری تاکنون در انجام تحقیق و پژوهش پیرامون این موضوع تلاش کرده‌اند که البته نتایج شوم این اقدام غیر قانونی (!) خود را نیز مشاهده نموده‌اند. «دیوید ایروینگ»، «روبرت فوریسون»، «ارنست زوندل»، «فرید لیوشر»،